

اصلاحات و تکنیسین‌های سیاسی

عباس عبدي

به نظرم اتفاق 28 خرداد را نباید مترادف پایان اصلاح‌طلبی دانست. این را نه براساس علایق و گرایش‌ها بلکه براساس واقعیات و تجربه پژوهشی می‌گویم. اغلب مردم ایران از وضع ناراضی هستند و آن را تایید نمی‌کنند. ولی ناراضی بودن از يك چیز به معنای پذیرش چیز یا چیزهای دیگر نیست به ویژه آنکه آن چیزهای دیگر نیز آزمون خود را پس داده باشند. مردم ایران به دلایل تاریخی و تجربه صد ساله خود و نیز وضعیت منطقه اطمینان دارند که اصلاحات به عنوان کم‌هزینه‌ترین شیوه تغییر و بهبود با فاصله بسیار زیادی بهتر از هر روش دیگری است. ولی این امر به معنای آن نیست که اصلاحات را معادل اصلاح‌طلبان به عنوان يك گروه اسم و رسم‌دار بشناسند.

کسانی که به طور کامل آگاهانه یا ناآگاهانه اسیر تکنسین و کارپردازهای سیاسی شده‌اند و رهبری اصلاحات را از مجموعه ایده‌پرداز و افراد دارای اعتماد به نفسی که درک درستی از سیاست داشته باشند به تکنسین‌های سیاسی تبدیل کرده است به طوری که هر 4 سال يك بار فیل آنان یاد هندوستان می‌افتد و با شیوه‌های نخ‌نما وارد میدان سیاست می‌شوند و غیرمسوولانه یکه‌تازی می‌کنند و نتیجه آن همین وضعیتی است که در 28 خرداد دیدیم. وضعیتی که بسیاری از کنشگران واقعی اصلاح‌طلب بنا به ملاحظات گوناگون سکوت کردند تا بلکه شکاف و انشقاقی رخ ندهد ولی خیلی خوب میدانستند که پایان این بیراهه به کجا ختم خواهد شد.

اصلاح‌طلبان را چه می‌شود؟ خیلی خلاصه. در سطح نظری، عدول از اصول اساسی اصلاح‌طلبی و نداشتن راهبرد است. در این مورد مفصل نوشته‌ام باز هم در فرصت مناسب خواهم نوشت. در سطح تشکیلاتی تبدیل شدن به جمع‌های نسبتاً بسته، پیر، خسته و ناتوان و در سطح عملی، آلوده شدن به جریان فرصت‌طلبی و باری به هر جهت و از این ستون تا آن ستون فرج است و بالاخره در سطح فردی، غلبه کارگزاری و کارپردازی و در يك کلام تکنیسینی سیاسی بر مفهوم واقعی و متعهدانه سیاست است. این بخش اخیر 3 سطح اول را بازتولید کرده و خود را در موقعیت اصلاح‌طلبان در دست برتر قرار داده است.

پس بد نیست که نگاهی به ویژگی‌های يك تکنیسین بیندازیم. تکنیسین سیاسی خیلی پیش از آنکه فکر کند، حرف می‌زند. چنان وارد جزئیات می‌شود که مخاطب را از دیدن کلیات غافل می‌کند. برای تکنیسین سیاسی جزئیات همان کلیات است و چیزی جز جزئیات وجود ندارد. تکنیسین سیاسی بسیار ساده‌لوح است در عین حال خود را هوشمند تصور می‌کند چون وارد بحث بی‌پایان درباره جزئیات بیهوده می‌شود. آنان حسی نسبت به کلیات پدیده ندارند، عاشق جزئیات هستند. تکنیسین سیاسی همه چیز را ابزاری در خدمت امر تکنیکی می‌بیند. چه فرد را چه شعار و مفهوم را. افراد تا هنگامی که در حصر و زندان هستند، ابزار خوبی برای پیشبرد مقاصد تکنیسین‌ها هستند ولی به محض اینکه حرفی مغایر آنان گفته شود، توپخانه توهین و اتهام را روشن می‌کنند. شعارها نیز به همین سرنوشت دچار می‌شود. امروز می‌توانند میان 28 خرداد و 28 مرداد مقایسه کنند تا بلکه با ترساندن مردم اندکی را به سوی خود جلب کنند ولی رفتارشان در 29 خرداد هیچ فرقی با گذشته ندارد. نه فرار می‌کنند و نه پنهان می‌شوند! درکشان از 28 مرداد همین قدر مبتذل است. تکنیسین سیاسی راهبرد ندارد. می‌تواند پراید و بنز و کامیون را تعمیر کند. در خرداد 1388 همان قدر فعال است که در خرداد 1400 و جالب است که هیچ تمایزی هم میان این دو رفتار متضاد حس نمی‌کند. او فقط يك پیچ را تغییر می‌دهد، فرق نمی‌کند بنز باشد یا پراید. تکنیسین سیاسی فاقد شجاعت و صراحت است. شکست در قاموس او معنا ندارد. اصلاح‌طلب‌نمایی است که موقع شکست رگ اصولگرایی او برجسته می‌شود و عمل به تکلیف را به رخ می‌کشد. شکست خود را به عهده عدم همکاری دیگران می‌اندازد! این حد از زبونی سیاسی فقط نزد آنان دیده می‌شود. تکنیسین سیاسی زیر بار واقعیت نمی‌رود. تا هنگامی که نتایج نظرسنجی‌ها مطابق آمال و آرزوهای آنان است، طرفدار دوآتشه نظرسنجی و علم می‌شوند ولی خدا نکند که نتایج آن را نپسندد که نظرسنجی را متهم به نفوذ امنیتی‌ها می‌کند! و خودشان نظرسنجی راه می‌اندازند! هنگامی که می‌گویی نظرسنجی این را می‌گوید، پاسخ می‌دهند که سر کوچه با 9 نفر صحبت کردیم طور دیگری می‌گفتند. جامعه‌شناسی را به ابتذال می‌کشانند. با تکنیسین‌های سیاسی نمی‌توانید گفت‌وگوی موثر کنید. مثل گربه مرتضی علی هستند هر جور بیندازیدشان بالا، چهار دست و پا پایین می‌آیند. اصلاً حوصله گوش کردن ندارند. بدتر از آن فقط چیزهایی که مطلوبشان است را می‌خوانند و بازنشر می‌کنند. تکنیسین سیاسی آدم غیرتشکیلاتی است. تا هنگامی که جمع از او حمایت می‌کند، او نیز همراه جمع است و کلا ادای دموکراتیک بودن را درمی‌آورد. خدا نکند که نظرش مورد پذیرش واقع نشود، فوری قهر می‌کند، انگ می‌زند و اگر توانست با مصاحبه و

بیانیه راه خود را جدا می‌کند. تکنیسین‌های سیاسی اقتصادی سخن می‌گویند، گاه می‌گویند برای جلوگیری از انتخاب نامزد حکومت بیایم نامزد دیگری را انتخاب کنیم، بعد که می‌بینند این شعار پوچ است، می‌گویند برای دفاع از جمهوریت! بیایم پای صندوق. می‌خواهند توفان در فنجان چای را به عنوان زلزله سیاسی قالب کنند.

اصلاحات جز متمایز کردن خود از راه و روش تکنیسین‌های سیاسی چاره دیگری ندارد ولی متاسفانه آنان اکثریت قاطع این جبهه هستند پس بعید است، چاقو دسته خود را بریدند. آنان که خودشان مساله هستند، قادر به ارائه راهبرد برای حل مساله نیستند.

روزنامه‌ها: ۱۴۰۰ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۹